

## لزوم حضور جریان ساز در فضای مجازی

صفحه ۲

## بازنده اصلی در سوریه نتانیاهو است

صفحه ۱۵



### تیتلهای امروز

تقابل تیم‌های ملی فوتبال ایران و ژاپن در نیمه نهایی جام ملت‌های آسیا

## بوی باروت عطر جام



صفحه ۱۴

بررسی شکاف‌های سینمای ایران در آستانه سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر

## دوئل سینمایی در فرم و محتوا

صفحه ۱۱

گزارش «وطن امروز» از وضعیت حقوق بشر در میان جریان مسلح تحت حمایت واشنگتن در مناطق کردنشین

## پکک و حذف سازمان یافته

صفحه ۶

گزارش میدانی «وطن امروز» از هزینه‌های سرسام‌آور برخی شهروندان برای نگهداری از سگ در خانه

## هزینه‌های میلیونی یک زندگی سگی!

صفحه ۴

گزارش «وطن امروز» درباره جریان تحول موسیقی تیتراژ فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی

## آواز نو قصه‌ها

صفحه ۱۳



«وطن امروز» گزارش می‌دهد جریان خریدگری داخلی که از کودتای آمریکایی در ونزوئلا ذوق زده شده است از پیامدهای این کودتا در تشدید تحریم‌های ایران باخبر است!

# کارگزاران تحریم نفتی

صفحه ۵

## بازماندگان هیتلر چه می‌گویند؟!

نوید مؤمن

واشنگتن، پاریس، لندن، تل‌آویو و ریاض در سوریه به راه انداخته‌اند، آگاهند. شاید بهتر باشد دولت آلمان قبل از ابراز خشم از مواجهه ایران با مهره‌های متوحش تروریستی صهیونیستی- تکفیری و دست‌پروردگان دستگاه‌های امنیتی غرب و بویژه موساد در سوریه، نسبت به گزارش سازمان عفو بین‌الملل در اردیبهشت ۹۵ پاسخگو باشد: «بخشی از سلاح‌هایی که در دستان نیروهای داعش دیده می‌شود، ساخت کشور آلمان است. تسلیحات ساخت شرکت آلمانی «هکلر و کوخ» (Heckler & Koch) به صورت خاص در اختیار گروه تروریستی داعش قرار دارد».

بسیاری از این سلاح‌ها به صورت مستقیم و برخی دیگر از طریق واسطه‌هایی مانند سعودی و امارات عربی متحده در اختیار گروه‌های تروریستی داعش، جبهه‌النصره و دیگر گروه‌های صهیونیستی- تکفیری در سوریه قرار گرفته است. این گزارش به همراه هزاران داده و مستند دیگر نشان می‌دهد ژرمن‌ها در ریخته‌شدن خون تک تک انسان‌های بیگناه و خصوصاً کودکان بی‌پناه سوریه، عراق، یمن، فلسطین و لبنان سهیمند. در چنین شرایطی خشم مرکل و همراهانش از شکست داعش در سوریه کاملاً قابل درک است!

۳- مقامات آلمانی خود نسبت به نقش جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با گروه‌های تروریستی تکفیری در سوریه آگاهند. ژرمن‌ها به مانند دیگر بازیگران غربی معتقد بودند می‌توان گروه‌های تروریستی داعش و جبهه‌النصره را ایجاد و در ادامه مدیریت کرد. با این حال مقامات حزب سوسیال-دموکرات و دموکرات- مسیحی آلمان، که هر دو در وقایع خونین چند سال اخیر در منطقه غرب آسیا نقش داشته‌اند، هرگز تصور نمی‌کردند روزی شر گروه‌های تروریستی ساخته و پرداخته آنها به مرزهای اروپا و آلمان بازگردد! بدون شک اگر تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با داعش و دیگر گروه‌های تکفیری نبوده، امروز کشورهای مانند آلمان به دریایی از خون تبدیل شده بودند؛ حقیقت محضی که امثال مرکل و اشتان مایر آن را قربانی معاملات سیاسی با دولت «دونالد ترامپ» کرده‌اند.

۴- سکوت دستگاه دیپلماسی کشورمان در قبال عهدشکنی‌ها، خیانت‌ها و رفتارهای ضدانسانی ژرمن‌ها، منجر به وقاحت بازماندگان هیتلر شده است. برلین از یک سو سعی دارد از توان ایران در مهار داعش و عدم بازگشت شر تروریست‌های تکفیری به داخل مرزهای خود استفاده کند و از سوی دیگر، در گردونه اعمال تحریم‌های جدید

علیه تهران از واشنگتن، پاریس و لندن عقب‌نماند! برآستی چرا این بازی وقیح و غیرقابل بخشش برای افکار عمومی کشورمان تشریح نمی‌شود؟! آیا احضار سفیر آلمان در تهران یا نامه‌نگاری به مقامات اروپایی و گلایه از آنها به علت بروز رفتارهای ضدایرانی می‌تواند به مثابه پاسخی متناسب با این اقدامات تلقی گردد؟ قطعاً پاسخ این سوال منفی است. تاسف‌بارتر اینکه آقای دکتر ظریف وزیر محترم امور خارجه کشورمان یک بار به صورت عینی نتیجه مصالحه دستگاه دیپلماسی با آلمان مشاهده کرده‌اند! بهمن ماه سال گذشته پس از برگزاری کنفرانس امنیتی مونیخ، شرکت‌های انرژی آلمان حاضر به سوخت‌رسانی به هواپیمای حامل وزیر امور خارجه کشورمان نشدند. شرکت‌های تامین سوخت آلمانی نگران بودند با فراهم کردن سوخت برای هواپیمای وزیر امور خارجه ایران تحریم‌های واشنگتن علیه تهران را نقض کنند. به ناچار وزارت خارجه آلمان از وزارت دفاع این کشور آلمانی مدعی بودند عدم سوخت‌رسانی به هواپیمای آقای ظریف، محصول عدم هماهنگی بخش دولتی با بخش خصوصی این کشور بوده(!) اما به فاصله یک سال، نوع مواجهه دولت آلمان با شرکت هواپیمایی ماهاان نشان داد همه این رفتارها، منبعت از یک سناریوی واحد و آن هم در تقابل با نظام و ملت ایران است! این سناریو همچنان به پایان نرسیده و در آینده نزدیک، شاهد تکمیل قسمت‌های تازه‌تری از آن خواهیم بود. صراحتاً باید عنوان کرد خیانت دولت آلمان محدود به تحریم شرکت هواپیمایی ماهاان نخواهد ماند.

۵- اگر چه بخشی از وقاحت ژرمن‌ها در تقابل با کشورمان، معلول وابستگی ساختار آنها به ایالات متحده در نظام بین‌الملل است اما مناسفانه بخش دیگر آن مرهون «رودربایستی» دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان با برلین است. این «تساهل بازدارنده» خود را در مواردی مانند دستگیری «سیدالله اسدی» در معاملات با شرکت‌های ایران و وارثان آدولف هیتلر را در مقابل افکار عمومی دنیا به تصویر بکشد؟! امتیازدهی‌های بی‌مورد و بدون مهاباز به کشورهای اروپایی و در راس آنها ۳ کشور انگلیس، آلمان و فرانسه تا چه زمان ادامه خواهد داشت؟

## یادداشت امروز

دولت تکراری کودتا و انقلاب‌های مخملین با نقش آفرینی و حمایت آمریکا و اندیشکده‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی جاسوسی این کشور، قسه تمام‌نشدنی ده‌ها سال گذشته جهان است. دیگر حتی نیازی به انتظار برای گذشت چند دهه جهت انتشار اسناد CIA هم نیست تا پی ببریم که آیا آمریکا در وقوع انقلاب مخملین در فلان کشور اروپای شرقی، آمریکای جنوبی، آفریقا یا آسیا نقشه داشته یا خیر؛ هنوز ۲۴ ساعت از شورش در ونزوئلا نگذشته بود که کف‌تارهای کراواتی کاخ سفید حمایت خود را از «گولایدو» رهبر شورشیان اعلام می‌کنند و بلافاصله نیز خبرگزاری آسوشیئدپرس با تیتراژ «ونزوئلا نخستین کشور در آمریکای لاتین نیست که آمریکا در آن دخالت می‌کند»، بر دخالت قطعی آمریکا در شورش‌های جهان اقدام می‌کنند. گزارش سال ۲۰۱۶ واشنگتن‌پست، آمریکا از دهه ۵۰ میلادی به این سو با استفاده از «کترین ترومن» حداقل ۷۲ بار در کشورهای جهان اقدام به کودتا کرده است. واشنگتن‌پست در گزارش دیگری که ۴ بهمن ۹۷ منتشر کرده، ضمن ادعای به تلاش آمریکا برای برپایی یک حکومت لیبرال-دموکرات در ونزوئلا به جای «کیلاس مادورو» که دولت او هم مشابه مصدق طی یک انتخابات کاملاً دموکراتیک بر سر کار آمده، به تاریخچه مختصری از دخالت‌های ایالات متحده در آمریکای لاتین و آمریکای مرکزی اشاره می‌کند. کشورهای پاناما، کوبا، مکزیک، گواتمالا، برزیل، آرژانتین، شیلی، نیکاراگوئه، هائیتی و گرنادا، از جمله کشورهایی بوده‌اند که آمریکا با دخالت مستقیم سعی در برکناری حکومت‌های مایل به شوروی سابق یا ابقای حکومت‌های راست‌گرا در آنها داشته است. اینها البته برخی موارد دخالت‌های آمریکا در کشورها بوده است که مربوط به دوره جنگ سرد و قبل از فروپاشی شوروی است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز با توجه به مواضع ضد آمریکایی و ضد سرمایه‌داری برخی جمهوری‌های استقلال یافته در شرق اروپا و کشورهای برخی کشورهای هم‌پیمان شوروی سابق نظیر کوبا، ونزوئلا و هندوراس نیز شاهد تلاش‌های مستمر آمریکا برای کودتای نظامی و انقلاب‌های مخملین بوده‌ایم. اتفاقاً نمونه متاخر آن در آمریکای جنوبی مربوط به کودتای ناموفق سال ۲۰۰۲ علیه هوگو چاوز، رئیس‌جمهور سابق ضدآمریکایی ونزوئلا و کودتای سال ۲۰۰۹ در هندوراس است که طی آن «خوزه مانوئل زلایا» رئیس‌جمهور قانونی این کشور که او هم مواضع ضدآمریکایی داشت، برکنار

## آمریکا نقش اول سریال انقلاب‌های مخملین

امید رامز

و تبعید شد. در اروپای شرقی نیز نمونه کم نیست؛ انقلاب رنگی در یوگسلاوی در سال ۲۰۰۰ که در آن «سلودان میلوشویچ» رئیس‌جمهور این کشور مجبور به استعفا شد، انقلاب موسوم به «گل سرخ» در گرجستان در سال ۲۰۰۳ که با رهبری میخائیل ساکاشویلی (متعامل به آمریکا)، به برکناری «ادوارد شوارندازه» انجامید و بعدها در سال ۲۰۰۵ جرج سوروس مجارستانی-آمریکایی، پدر انقلاب‌های مخملین و صاحب بنیاد صهیونیستی «جامعه باز» در تقابل گرجستان ابراز خوشحالی می‌کند که بنیادش آبا کمک ۴۲ میلیون دلاری، جامعه مدنی گرجستان را برای انقلاب گل سرخ آماده کرده است، انقلاب نازنجی اوکراین در سال ۲۰۰۴ و چندین مورد دیگر در چکسلواکی، قرقیزستان و لهستان، نمونه‌های دخالت‌های آمریکا در مناسبات سیاسی کشورها در جهت تغییر سیران آنهاست. گلوبال ریسرچ نیز در گزارش ۲ بهمن ۹۷ با انتشار لیستی بلندبالا موسوم به «آمریکا گیت» از کشورهایی که آمریکا بعد از جنگ دوم جهانی در جهت تغییر حاکمان و ایدئولوژی کشورها در امور آنها دخالت کرده، منتشر کرد. در این لیست نام کشورهایی نظیر چین (۱۹۶۰-۱۹۴۹)، عراق (۱۹۵۳)، آلمان شرقی (۱۹۵۰)، ایران (۱۹۵۳)، گواتمالا (۱۹۵۴)، کاستاریکا (۱۹۵۰)، سوریه (۱۹۵۶)، مصر (۱۹۵۷)، اندونزی (۱۹۵۸)، عراق (۱۹۶۳)، ویتنام شمالی (۱۹۶۳-۱۹۴۵)، کامبوج (۱۹۷۰-۱۹۵۵)، لائوس (۱۹۶۰-۱۹۵۸)، اکوادور (۱۹۶۰-۱۹۶۰)، کنگو (۱۹۶۰)، فرانسه (۱۹۶۵-۱۹۶۲)، برزیل (۱۹۶۲-۱۹۶۲)، جمهوری دومینیک (۱۹۶۳)، کوبا (۱۹۵۹ تاکنون)، بولیوی (۱۹۶۴)، اندونزی (۱۹۶۵)، غنا (۱۹۶۶)، شیلی (۱۹۶۴-۱۹۶۴)، یونان (۱۹۶۷)، کاستاریکا (۱۹۷۰-۱۹۷۰)، بولیوی (۱۹۷۱)، استرالیا (۱۹۷۵-۱۹۷۳)، آنگولا (۱۹۷۵)، زئیر (۱۹۷۵)، پرتغال (۱۹۷۶-۱۹۷۴)، جامائیکا (۱۹۷۶-۸۰)، چاد (۱۹۸۲-۱۹۸۱)، گرنادا (۱۹۸۳)، یمن (۱۹۸۲-۸۴)، فیجی (۱۹۸۷)، لیبی (۱۹۸۰)، نیکاراگوئه (۱۹۸۱-۹۰)، پاناما (۱۹۸۹)، بلغارستان (۱۹۹۰)، آلبانی (۱۹۹۱)، عراق (۱۹۹۱)، افغانستان (۱۹۹۲)، سومالی (۱۹۹۲)، یوگسلاوی (۲۰۰۰-۱۹۹۹)، اکوادور (۲۰۰۰)، ونزوئلا (۲۰۰۲) و هائیتی (۲۰۰۴) دیده می‌شود.

اما در این رابطه ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد: یکم- مشاهده کشورهایی که دولت آنها با دخالت آمریکا دستخوش تغییر شده و به نوعی سوزه کودتا یا انقلاب‌های مخملین بوده‌اند بخوبی نشان می‌دهد آنچه مد نظر ایالات متحده بوده است، نه الزاماً برقراری دموکراسی یا حکومت‌های مردمی، بلکه